info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام

شماره ۲۶۱۱
چهارشنبه ۴ / مهر / ۱۴۰۳
۲۱ / ربیع الاول / ۱۴۴۶
25 / September / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان قدس البرز
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ماهرو حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸ - ۳۲۵۳۴۲۴۳ - ۰۲۶ - فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

گفتم این جامِ جهان‌بین به تو کِی داد حکیم؟
گفت آن روز که این گنبدِ مینا می‌کرد
بی‌دلی در همه‌احوال خدا با او بود
او نمی‌دیدش و از دور خدا را می‌کرد

خوانده

هر کس به هر گروهی دارد امید چیزی
ما را امید گاهی غیر از خدا نباشد
عبید زاکانی

اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب
۰۴:۳۲ | ۰۵:۵۷ | ۱۱:۵۸ | ۱۷:۵۶ | ۱۸:۱۴

بزرگ

بزرگترین خشنودی‌های زندگی زمانی به دست می‌آید که انسان بداند در راستای باورهای راستین خود، رفتار کرده است...
آنتونی رابینز

اشاره

پشت پرده حیوانات زیبای شهر!

خیلی تفاوتی با آرایشگاه‌های معمولی ندارد؛ یک سالن انتظار کوچک و جمع‌وجور، یک میز منشی و اتاق‌هایی مجزا که هر کدام برای کاری اختصاص یافته‌اند. یکی اتاق واکسن، یکی اتاقی برای کوتاهی مو و دیگری هم برای شست‌وشو و خشک کردن با یاد سشوار که آخرین مرحله از پروسه زیبایی این زیبا-ستم‌های از همه‌جایی خبر است موجودی که شاید اگر آزاد و رها در طبیعت بودند، به هیچ کدام از این اعمال شاقه نیاز نداشتند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام جم، سرشان آن‌قدر شلوغ است که بدون نوبت کسی را نمی‌پذیرند. همه کسانی که حیوان‌های خانگی‌شان را بغل کرده‌اند و در آرایشگاه منتظر نشسته‌اند. حداقل از ۲ – ۲ روز قبل زنگ زده‌اند. وقت گرفته‌اند و با یک برنامه‌ریزی کاملاً مشخص اینجا هستند. آدم‌هایی که وقتی حدود ۲ – ۲ ساعته را برای آرایشگاه بردن حیوان خانگی‌شان، در میان برنامه روزگارشان خالی کرده‌اند.

عروسکی یا ساده؟

«از ۴۰۰هزار تومان تا یکمیلیون!» این حدود قیمت کوتاهی و مرتب کردن موهای سگ کوچک سفیدش است که تقریبا هر دوماه یکبار باید برمیدارد: «اگر قرار به کوتاهی ساده باشیمن باشد همان ۴۰۰هزار تومان می‌شود اما اگر مدل خاصی باشد و با قیچی کوتاه شود و اصطلاحا عروسکی اصلاح و بعد از آن هم شسته و سشوار کشیده تحویل داده شود؛ مبلغ پرداختی به یکمیلیون یا کمی بیشتر از آن هم می‌رسد.» اینها اما مشتری ثابت یکی از همین آرایشگاه‌های حیوانات می‌گوید که بدون استثنا، هر دوماه یکبار و حتی چند روز زودتر از رسیدن ماه دوم، سگش را به آرایشگاه می‌آورد و آن را به خانم آرایشگر می‌سپارد تا سگی پشمالو بدهد و سگی با موهای چتری یا حتی در برخی مواقع و شاید وقت مهمانی، با موهایی گل‌سرزده تحویل بگیرد.

راحتی؟ زیبایی؟ یا سلامتی؟ مسأله این است؟

همه حرف و شاید توجیه‌شان برای راضی‌نگاه‌داشتن جریانی به نام آرایشگاه حیوانات و وقت‌گذاشتن و هزینه کردن برای چنین موضوعی، به نظافت شخصی حیوان برمی‌گردد. به این که اگر موهای سر و صورت و بدن‌شان در طولانی‌مدت کوتاه و مرتب نشود، آلودگی‌هایی به‌وجود آید که می‌تواند حیوان را گرفتار کند. پس این سگ‌ها و گربه‌های ولگرد خیابانی که کسی ماه تا ماه و سال تا سال موهایشان را کوتاه نمی‌کند چطور روزگار می‌گذرانند؟! این سؤالی بود که از یکی از منتظران داخل آرایشگاه پرسیدیم: «همین است که اگر دقت کنید، می‌بینید سگ‌های ولگرد و بدون صاحب، اکثرا آلودگی‌هایی به تن و بدن‌شان چسبیده و حتی در برخی مواقع، نوعی بیماری پوستی به نام جرب دارند.» اما برخلاف تصور، انگار این در طبیعت رها بودن‌شان، باعث می‌شود که با کمی تکاندن و خارفدن و حتی آبباز‌ی‌هایشان در جوی آب و رودخانه و... تمیز شوند و دیگر نیازی به عروسکی کوتاه کردن موهایشان نباشد.

زندگی‌شان را تغییر دادیم زندگی‌مان تغییر می‌کند!

ما آکوبیستیم این حیوانات را دچار تغییر کردیم و بدون شک، این تغییر آکوبیستیم، نیاز به رسیدگی‌های فراتر از زندگی‌های عادی و روزمره ما دارد. برنده‌ای که باید پرواز کند و یاری‌رسان محصلان برای رسیدن به ایده‌ای بهتر باشد.

وزیر آموزش و پرورش برنامه درسی فعلی مدارس را ناکارآمد و استعدادکش دانست و گفت که باید پیوندی میان فعالیت‌های درسی و آموزشی برقرار شود. البته در چند وقت اخیر این موضوع با جملات متفاوت، بارها و بارها از سوی سایر مسئولان نیز شنیده شده، تا جایی که حتی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز به وضعیت نامناسب برنامه درسی در نظام آموزشی اذعان داشت!

برنامه‌های درسی مهم‌ترین موضوع آموزش و پرورش است و باید اهداف نظام آموزشی از طریق همین برنامه‌های درسی تحقق پیدا کند. به عبارتی نقشه راهی که ما را به اهداف نظام آموزش می‌رساند همین برنامه درسی است. اما نه برنامه‌ای که همه چیز را در کتب و متن‌های مشخصی که در اختیار دانش‌آموزان قرار داده‌است، منحصر کرده‌اند بلکه در نظر گرفتن همه فرصت‌های یادگیری و تربیتی که در فضاها و منابع متنوع و تحت هدایت مدرسه اتفاق بیفتند.

ناکارآمد و استعدادکش

علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در نشستی صمیمانه با کارکنان دانشگاه فرهنگیان، با اشاره به اینکه برنامه درسی مدرسه ناکارآمد است، گفت: «برنامه درسی، دانش محور، آموزش‌زده، غیرتربیتی، غیرمهارتی و استعدادکش است، بنابراین با این روش نمی‌توان استعدادها را شناسایی و هدایت کرد.» او ادامه داد: «ضرورت دارد پیوندی میان فعالیت‌های درسی و آموزشی برقرار شود تا از این طریق بتوانیم شکاف میان دانشگاه‌های دانش‌آموزان را با برنامه درسی پر کنیم.»

وزیر آموزش و پرورش به عدم تناسب درسی دانش‌آموزان و انطباق آن با برنامه‌های درسی دانش‌آموزان نیز اشاره کرد و گفت: «باید پژوهش‌های متقنی در این زمینه تهیه شود و باید بررسی کرد که از گذشته تاکنون چه تغییرات کاربردی در محتوای درسی ایجاد شده‌است.»

پرسشی مهم

متأسفانه در نظام آموزشی ما، برنامه درسی را به کتب درسی و ارزیابی آن را نیز به آزمون‌های پایان سال و نمرات تقلیل داده‌ایم در صورتی که اگر دقیق‌تر نگاه کنیم باید دو اگراگیری مهارت‌ها را نیز مدنظر قرار دهیم و با سنجه‌های دیگری به جز آزمون‌های مرسوم دانش‌آموزان را محک بزنیم، اما متأسفانه به دلیل تمرکز بر کتب درسی، غفلت از منابع و محیط‌های متنوع یادگیری و همچنین غفلت از پیوند زدن آموخته‌های داخل مدرسه و زندگی واقعی دانش‌آموزان، چنین امری محقق نشده است؛ موضوعی که رضوان حکیم‌زاده، معاون ابتدایی وزارت آموزش و پرورش بدان اشاره کرد و گفت: «ممکن است همه دانش‌آموزان نیاز نداشته‌باشند که ریاضیات و فرمول‌ها را در سطح پیشرفته یاد بگیرند، اما قطعاً همه آن‌ها به مهارت‌های زندگی و مهارت‌های کنترل هیجان نیاز دارند. آن‌ها باید مسئولیت‌پذیری را یاد بگیرند تا در هر موقعیتی چه در اجتماع چه در جمع خانواده و چه در موقعیت‌های شغلی آینده‌شان به درستی عمل کنند.»

او ادامه داد: «اگر بخواهیم در میان محصلان، موفقیتی ایجاد کنیم، قطعاً باید روی مهارت‌آموزی و رویکرد کسب‌شایستگی‌هایشان تمرکز کنیم و نه حفظ کردن یک‌سری اطلاعات در ذهن‌شان. اگر این‌ها در برنامه‌های درسی ما وارد شود، خصوصاً در دوره ابتدایی (که رویکرد تلفیقی و پروژه‌محور دارد و حجم محفوظات کم است)، نتایج بهتری خواهیم گرفت.»

حکیم‌زاده با طرح یک پرسش نیز اعلام کرد: «برنامه درسی را به رخ کشیدید، اینکه برنامه درسی تدوین شده چقدر مورد علاقه دانش‌آموزان است و آن‌ها تا چه میزان توانسته‌اند با محتوای برنامه درسی ارتباط بگیرند؟» بدون شک پاسخ به این سؤال، فاجعه رخ داده در نظام آموزشی کشور را به خوبی نشان می‌دهد!

هم کتب درسی ایراد دارد هم برنامه درسی

اشکالات در برنامه‌های درسی موجب انتقاد احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت مردمی نیز شده است. او هفته گذشته و با حضور در یک برنامه تلویزیونی گفت: «سند تحول بنیادین شدهاست.»

وزیر آموزش و پرورش برنامه درسی فعلی مدارس را ناکارآمد و استعدادکش دانست و گفت که باید پیوندی میان فعالیت‌های درسی و آموزشی برقرار شود. البته در چند وقت اخیر این موضوع با جملات متفاوت، بارها و بارها از سوی سایر مسئولان نیز شنیده شده، تا جایی که حتی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز به وضعیت نامناسب برنامه درسی در نظام آموزشی اذعان داشت!

به گزارش پیام آشنا برنامه‌های درسی مهم‌ترین موضوع آموزش و پرورش است و باید اهداف نظام آموزشی از طریق همین برنامه‌های درسی تحقق پیدا کند. به عبارتی نقشه راهی که ما را به اهداف نظام آموزش می‌رساند همین برنامه درسی است. اما نه برنامه‌ای که همه چیز را در کتب و متن‌های مشخصی که در اختیار دانش‌آموزان قرار داده‌است، منحصر کرده‌اند بلکه در نظر گرفتن همه فرصت‌های یادگیری و تربیتی که در فضاها و منابع متنوع و تحت هدایت مدرسه اتفاق بیفتند.

ناکارآمد و استعدادکش

علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در نشستی صمیمانه با کارکنان دانشگاه فرهنگیان، با اشاره به اینکه برنامه درسی مدرسه ناکارآمد است، گفت: «برنامه درسی، دانش محور، آموزش‌زده، غیرتربیتی، غیرمهارتی و استعدادکش است، بنابراین با این روش نمی‌توان استعدادها را شناسایی و هدایت کرد.» او ادامه داد: «ضرورت دارد پیوندی میان فعالیت‌های درسی و آموزشی برقرار شود تا از این طریق بتوانیم شکاف میان دانشگاه‌های دانش‌آموزان را با برنامه درسی پر کنیم.»

وزیر آموزش و پرورش به عدم تناسب درسی دانش‌آموزان و انطباق آن با برنامه‌های درسی دانش‌آموزان نیز اشاره کرد و گفت: «باید پژوهش‌های متقنی در این زمینه تهیه شود و باید بررسی کرد که از گذشته تاکنون چه تغییرات کاربردی در محتوای درسی ایجاد

گزارش روز

پاتک به بی‌بی

دلیل عصبانیت و عصیان صهیونیست‌ها طی روزهای اخیر، گرفتاری در همین بازی هوشمندانه و قدرتمندانه مقاومت لبنان است. در این معادله، ترس و وحشتی که بر شمال اراضی اشغالی مستولی شده، به دیگر نقاط اراضی اشغالی از جمله حیفا و عکا نیز تعمیم می‌یابد، بدون آنکه جنگ را در ذیل چارچوب راهبردی منتظر تل آویو هدایت کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، رژیم اشغالگر قدس به جنایات گسترده خود در جنوب لبنان ادامه می‌دهد. شهادت صدها شهروند لبنانی در حملات هوایی وحشیانه صهیونیست‌ها، نقطه آشکارساز تروریسم ترکیبی صهیونیست‌ها در مواجهه با سرزمین سروها محسوب می‌شود. بدیهی است بیشتر تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل، اکثر تحولات جاری در جنوب لبنان را از یک زاویه دید روایت و تفسیر می‌کنند.

لسلا هدف از حملات مکرر (آن هم با تنوع سایبری، میدانی، روانی و امنیتی) تمرکزدایی از فرامتن و چارچوب راهبردی و استراتژیک است که جنایات صهیونیست‌ها در آن رخ می‌دهد. بنابراین نخستین و مهم‌ترین گام در تحلیل حوادث اخیر، چینش توالت راهبردی و میدانی ماجرا در کنار یکدیگر و تمرکز بر مدل و چارچوبی است که عملیات‌های وحشیانه اخیر و آتی صهیونیست‌ها در بطن آن تعریف می‌شود. در این باره مولفه‌های سه‌گانه‌ای وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد.

علت اقدامات اخیر صهیونیست‌ها در لبنان

معمولا استدلال یک بازیگر به جنگ ترکیبی، آن هم در یک بستر زمانی محدود، بازتابی از ضعف یا قوت عملیاتی -میدانی است. به عبارتی بهتر، مرز میان کنشگری فعال و واکنش اجباری باید در تحلیل رفتار تل آویو مورد توجه قرار گیرد. در اینجا نیز به طرح سوالی هدفمند وجود دارد: آیا جنایات اخیر صهیونیست‌ها منبعث از قدرت تسلط آنها بر میدان بوده یا خروجی شکست آنها در رسیدن به اهداف تعیین‌شده راهبردی و میدانی؟ قطعا گزینه دوم صحیح است. با گذشت یک سال از جنگ غزه، تل آویو نه تنها قادر به اشغال کامل نوار غزه، نابودی حماس و آزادی اسرای صهیونیست بدون انعقاد آتش‌بس نشده، بلکه جبهه شمال را نیز از دست داده است. از سوی دیگر، گروه‌های مقاومت یکی پس از دیگری عمق استراتژیک اراضی اشغالی را هدف قرار داده و از خطوط قرمز پررنگی که تا قبل از توفان الاقصی تل آویو تصور عبور از آنها را هم نمی‌کرد، به صورت آشکار عبور کرده‌اند.

رویکرد هوشمندانه و قاطعانه حزب‌الله

رویکرد هوشیارانه و قاطع حزب‌الله نه‌تنها در سخنرانی علامه سیدحسن نصرالله بر سر کل غیور مقاومت اسلامی لبنان، نمود پیدا کرد و بلکه خود را در مواجهه میدانی حزب‌الله نمایان ساخته است. تل آویو قصد داشته و دارد حزب‌الله را در مقابل ۲ گزینه غیرقابل تغییر قرار دهد: تسلیم مطلق در برابر رژیم صهیونیستی یا آغاز یک جنگ فراگیر و فرسایشی که منجر به تضمین بقای نتانیاهو در سایه تمدید فعالیت «کابینه جنگ» شود. در مقابل، حزب‌الله لبنان جنگ را به عملیات رفت و برگشت مبدل ساخته و از این طریق، ضمن حفظ فشار میدانی و مستمر بر رژیم صهیونیستی، از قرار گرفتن در دوراهی منتظر تل آویو اجتناب کرده است. از سوی دیگر، حزب‌الله در مواضع صریح خود، جنگ در جبهه شمال را متغیری وابسته به جنگ در نوار غزه می‌داند. این بدترین گزاره‌ای است که علیه صهیونیست‌ها مطرح و بر آن تاکید می‌شود، زیرا دستان تل آویو را در غیرت‌سازی میان میادین نبرد می‌بندند.

آینده‌نگاری صحنه‌نبرد

حزب‌الله لبنان از یک سو «قصاص رژیم صهیونیستی» را به‌مثابه یک تصمیم و اقدام قطعی در دستور کار قرار خواهد داد و از سوی دیگر، به جای قرار گرفتن در دوراهی «تسلیم -جنگ گسترده» در مقابل رژیم اشغالگر قدس، نتایج‌ها و تل آویو را در دوراهی «شکست در میدان - تسلیم در مذاکرات» قرار می‌دهد. دلیل عصبانیت و عصیان صهیونیست‌ها طی روزهای اخیر، گرفتاری در همین بازی هوشمندانه و قدرتمندانه مقاومت لبنان است. در این معادله، ترس و وحشتی که بر شمال اراضی اشغالی مستولی شده، به دیگر نقاط اراضی اشغالی از جمله حیفا و عکا نیز تعمیم می‌یابد، بدون آنکه جنگ را در ذیل چارچوب راهبردی منتظر تل آویو هدایت کند.

تسلیم جنگ گسترده در مقابل رژیم اشغالگر قدس، نتایج‌ها و تل آویو را در دوراهی «شکست در میدان - تسلیم در مذاکرات» قرار می‌دهد. دلیل عصبانیت و عصیان صهیونیست‌ها طی روزهای اخیر، گرفتاری در همین بازی هوشمندانه و قدرتمندانه مقاومت لبنان است. در این معادله، ترس و وحشتی که بر شمال اراضی اشغالی مستولی شده به دیگر نقاط اراضی اشغالی از جمله حیفا و عکا نیز تعمیم می‌یابد، بدون آنکه جنگ را در ذیل چارچوب راهبردی منتظر تل آویو هدایت کند. حزب‌الله لبنان عمق عملیات خود در اراضی اشغالی را از ۵ به ۱۲۰ کیلومتر افزایش داده، بدون آنکه در دام راهبردی صهیونیست‌ها گرفتار شود. نتیجه این روند، چیزی جز شکست مطلق و غایی رژیم اشغالگر قدس در برابر جبهه مقاومت نخواهد بود؛ همان حقیقتی که علامه نصرالله و یارانش به آن ایمان دارند. رژیم صهیونیستی هدف خود از حمله به لبنان را بازگرداندن آوارها اعلام کرده بود و با تشدید جنگ و افزایش برد موشک‌های حزب‌الله تا دروازه‌های تل آویو، مشخص شد تا اینجای جنگ، اسرائیل از رسیدن به هدف خود دورتر شده است.

حنیف غفاری

مکث

استعداد کشی با برنامه درسی!

وزیر آموزش و پرورش برنامه درسی فعلی مدارس را ناکارآمد و استعدادکش دانست و گفت: باید پیوندی میان فعالیت‌های درسی و آموزشی برقرار شود

به گزارش پیام آشنا به نقل از جوان، مسئولان آموزش و پرورش متفق‌القول معتقدند که باید برنامه درسی تغییر کند و یاری‌رسان محصلان برای رسیدن به ایده‌ای بهتر باشد.

وزیر آموزش و پرورش برنامه درسی فعلی مدارس را ناکارآمد و استعدادکش دانست و گفت که باید پیوندی میان فعالیت‌های درسی و آموزشی برقرار شود. البته در چند وقت اخیر این موضوع با جملات متفاوت، بارها و بارها از سوی سایر مسئولان نیز شنیده شده، تا جایی که حتی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز به وضعیت نامناسب برنامه درسی در نظام آموزشی اذعان داشت!

برنامه‌های درسی مهم‌ترین موضوع آموزش و پرورش است و باید اهداف نظام آموزشی از طریق همین برنامه‌های درسی تحقق پیدا کند. به عبارتی نقشه راهی که ما را به اهداف نظام آموزش می‌رساند همین برنامه درسی است. اما نه برنامه‌ای که همه چیز را در کتب و متن‌های مشخصی که در اختیار دانش‌آموزان قرار داده‌است، منحصر کرده‌اند بلکه در نظر گرفتن همه فرصت‌های یادگیری و تربیتی که در فضاها و منابع متنوع و تحت هدایت مدرسه اتفاق بیفتند.

ناکارآمد و استعدادکش

علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در نشستی صمیمانه با کارکنان دانشگاه فرهنگیان، با اشاره به اینکه برنامه درسی مدرسه ناکارآمد است، گفت: «برنامه درسی، دانش محور، آموزش‌زده، غیرتربیتی، غیرمهارتی و استعدادکش است، بنابراین با این روش نمی‌توان استعدادها را شناسایی و هدایت کرد.» او ادامه داد: «ضرورت دارد پیوندی میان فعالیت‌های درسی و آموزشی برقرار شود تا از این طریق بتوانیم شکاف میان دانشگاه‌های دانش‌آموزان را با برنامه درسی پر کنیم.»

وزیر آموزش و پرورش به عدم تناسب درسی دانش‌آموزان و انطباق آن با برنامه‌های درسی دانش‌آموزان نیز اشاره کرد و گفت: «باید پژوهش‌های متقنی در این زمینه تهیه شود و باید بررسی کرد که از گذشته تاکنون چه تغییرات کاربردی در محتوای درسی ایجاد شده‌است.»

پرسشی مهم

متأسفانه در نظام آموزشی ما، برنامه درسی را به کتب درسی و ارزیابی آن را نیز به آزمون‌های پایان سال و نمرات تقلیل داده‌ایم در صورتی که اگر دقیق‌تر نگاه کنیم باید دو اگراگیری مهارت‌ها را نیز مدنظر قرار دهیم و با سنجه‌های دیگری به جز آزمون‌های مرسوم دانش‌آموزان را محک بزنیم، اما متأسفانه به دلیل تمرکز بر کتب درسی، غفلت از منابع و محیط‌های متنوع یادگیری و همچنین غفلت از پیوند زدن آموخته‌های داخل مدرسه و زندگی واقعی دانش‌آموزان، چنین امری محقق نشده است؛ موضوعی که رضوان حکیم‌زاده، معاون ابتدایی وزارت آموزش و پرورش بدان اشاره کرد و گفت: «ممکن است همه دانش‌آموزان نیاز نداشته‌باشند که ریاضیات و فرمول‌ها را در سطح پیشرفته یاد بگیرند، اما قطعاً همه آن‌ها به مهارت‌های زندگی و مهارت‌های کنترل هیجان نیاز دارند. آن‌ها باید مسئولیت‌پذیری را یاد بگیرند تا در هر موقعیتی چه در اجتماع چه در جمع خانواده و چه در موقعیت‌های شغلی آینده‌شان به درستی عمل کنند.»

او ادامه داد: «اگر بخواهیم در میان محصلان، موفقیتی ایجاد کنیم، قطعاً باید روی مهارت‌آموزی و رویکرد کسب‌شایستگی‌هایشان تمرکز کنیم و نه حفظ کردن یک‌سری اطلاعات در ذهن‌شان. اگر این‌ها در برنامه‌های درسی ما وارد شود، خصوصاً در دوره ابتدایی (که رویکرد تلفیقی و پروژه‌محور دارد و حجم محفوظات کم است)، نتایج بهتری خواهیم گرفت.»

حکیم‌زاده با طرح یک پرسش نیز اعلام کرد: «برنامه درسی را به رخ کشیدید، اینکه برنامه درسی تدوین شده چقدر مورد علاقه دانش‌آموزان است و آن‌ها تا چه میزان توانسته‌اند با محتوای برنامه درسی ارتباط بگیرند؟» بدون شک پاسخ به این سؤال، فاجعه رخ داده در نظام آموزشی کشور را به خوبی نشان می‌دهد!

هم کتب درسی ایراد دارد هم برنامه درسی

اشکالات در برنامه‌های درسی موجب انتقاد احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت مردمی نیز شده است. او هفته گذشته و با حضور در یک برنامه تلویزیونی گفت: «سند تحول بنیادین از آموزش و پرورش برنامه درسی می‌خواهد. این برنامه درسی که در مدارس اجرا می‌شود باید همه شاخص‌های لازمه را به صورت مستقیم و غیرمستقیم در خودش داشته باشد؛ یعنی یک نقشه راه که به صورت مستقیم در کتاب‌های درسی و بعضاً به صورت غیرمستقیم در قالب کارهایی به صورت پیوسته مستمر بی‌دری و گاهی با واگذاری به خود دانش‌آموزان باید وجود داشته‌باشد.»

به گفته این مقام مسئول، مشکلاتی هم در کتاب‌های درسی الان حاکم است، با این حال، اما او اظهار کرد: «نگاه ما به این است که در وزارت آموزش و پرورش ذیل برنامه درسی باشیم و نه کتاب درسی. اگر بتوانیم به این سمت حرکت کنیم که نوعاً جزو برنامه‌های وزیر آموزش و پرورش نیز هست، ما را به همه آنچه در اهداف سند تحول بنیادین وجود دارد، نزدیک‌تر خواهد کرد.»

محمودزاده معتقد است که مدارس غیردولتی به دلیل فرصت‌هایی که در اختیار دارند در این زمینه پیشتاز هستند. او در این رابطه اظهار داشت: «مدارس غیردولتی فوق برنامه درسی و غیردرسی دارند. برنامه‌های درسی نوعاً به پسوراژش تکمیلی چرخه آموزش در داخل مدرسه است و مقوله برنامه‌های غیردرسی نیز مثل استفاده از فناوری‌های جدید، دیجیتال، هوش مصنوعی، مهارت‌های پایه، مهارت‌های زندگی، سواد مالی، سواد دیجیتال و فناوری است که مورد توجه قرار دارد. البته محتوای آموزشی این موضوعات حتماً باید تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را داشته باشد، بخشی از این تأییدیه‌ها و مجوزها در سایت خود سازمان وجود دارد از آن‌ها می‌توانند استفاده کنند و بخشی را هم که خودشان تولید کردهاند حتماً باید از سازمان پژوهش، مجوزش را بگیرند.»

ضرورت تغییر

ماجرا به قدری بیخ پیدا کرده که اولسط شهریورماه حجت‌الاسلام علی لطیفی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز به لزوم تغییرات در برنامه درسی اشاره کرد و گفت: «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی در پنج حوزه کلی فعالیت دارد حوزه نخست آن برنامه‌ریزی درسی است که قطعاً و بدون تردید مهم‌ترین حوزه مأموریتی سازمان است؛ تنظیم برنامه درسی و چارچوب‌هایی که براساس آن فعالیت‌ها در مدارس در تمامی سطوح اتفاق می‌افتد. در دل این مأموریت قرار دارد. اما متأسفانه برنامه درسی در نظام آموزشی ما آنطور که باید در وضع مناسبی قرار نگرفته است.»

او گفت: «ما معتقدیم که برنامه‌ریزی درسی بدون ترویج و اشاعه مناسب، زمینه اجرای مناسب را پیدا نخواهد کرد. ما همیشه با چالشی مواجه هستیم که از جنس فاصله میان برنامه درسی اجرا نشده و اجرا شده است. قطعاً بخشی از این فاصله باید به وسیله اشاعه از بین رود. با اهمیت این حوزه، اما گاهی این بخش سازمان در زمینه اشاعه نادیده گرفته شده است. ما در دوره جدید بنای خود را در سازمان گذاشته‌ایم که این بخش از سازمان را هم بصورت جدی‌تری پیگیری کنیم.»

معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با اشاره به ضرورت تغییر در فرهنگ برنامه درسی آموزش‌وپرورش ابراز کرد: «معتقدیم تحقق این مأموریت‌ها نیازمند تغییری در کل فرهنگ برنامه درسی آموزش‌وپرورش است و تغییر در فرهنگ از جمله سخت‌ترین تغییرها است. تغییرات سخت قطعاً نیازمند پشتیبانی شخص وزیر محترم آموزش‌وپرورش و همه کارکنان آموزش‌وپرورش است.»

نیاز به فکر گسترده و عزم کافی داریم

به نظر می‌رسد گفتار برخی از مسئولان حوزه آموزش و پرورش با رفتار آن‌ها تناقض دارد. در حالی که آن‌ها از ایرادات کتب درسی و برنامه درسی صحبت می‌کنند، اما آزمون‌ها و سنجش دانش‌آموزان بر اساس همان برنامه پر ایراد انجام می‌شود. در چنین شرایطی اگر حتی معلمی بخواهد، برنامه‌ای در کلاس درس و متناسب با استعداد دانش‌آموزان دست و پا کند، دست آخر هم آن معلم و هم دانش‌آموزانش، مغموم خواهند شد؛ چراکه پس از گذر از آزمون‌های تعیین‌شده در خواهند یافت که هیچ کدام از سنجش‌های انجام‌شده بر اساس نوع آموزش داده شده، نیست؛ متأسفانه هیچ‌گاه دست مدارس و معلمان را در ارائه آموزش مهارت‌های پایه و مهارت‌های زندگی براثر نگذاشته‌ایم که امروز از تجارب آن‌ها و بهترین برنامه‌هایی که استفاده کرده‌اند، برداشت کنیم. بدون شک تغییرات برنامه درسی بر اساس نیازهای روز جامعه یک فکر گسترده و یک عزم کافی می‌خواهد. این تغییری است که باید هر چه سریع‌تر انجام شود و در این زمینه معلمان بهترین مشاوران خواهند بود.

اختلال خواب در دانش‌آموزان را جدی بگیرید!

دیدگاه

راهبرد موفق حزب الله در برابر تاکتیک موفق اسرائیل

مقاومت در ۱۲ ماه گذشته با صبر و حوصله و سلاح‌های تاکتیکی و ارزان قیمت قدیمی و غیرپیشرفته موفق شده بود شهرها و مناطق تا عمق ۲۰ کیلومتری مرز لبنان را از حضور اشغالگران تخلیه کند و بعد از عملیات‌های تروریستی اخیر نیز در تلاش است تا این راهبرد را به عمق ۵۰ کیلومتر گسترش دهد.

کسی تردید ندارد که اسرائیل چند عملیات موفق امنیتی را در لبنان انجام داد؛ از انفجار پیجرها تا ترور فرماندهان رضوان.

اما اسرائیل از این ترورها، مقصود دیگری را دنبال می کرد و آن توقف حملات و فشارهای حزب الله به جبهه شمالی فلسطین اشغالی بود. در واقع این عملیات‌ها صرفا برای تلفات گیری از دشمنان اسرائیل انجام نشدند؛ تحلیل سران صهیونیست این بود که حزب الله پس دریافت ضربات مزبور عقب‌نشینی می کند، زیرا گمان داشتند این ضربات آثار راهبردی بر مقاومت لبنان خواهد داشت.

اما حزب الله، مثل همیشه با حوصله و هوشمندانه راهبرد خاص خود را تعقیب کرد؛ و آن گسترش دامنه و کیفیت حملات به شمال فلسطین و جبهه داخلی صهیونیست‌ها بود.

مقاومت در ۱۲ ماه گذشته با صبر و حوصله و سلاح‌های تاکتیکی و ارزان قیمت قدیمی و غیرپیشرفته موفق شده بود شهرها و مناطق تا عمق ۲۰ کیلومتری مرز لبنان را از حضور اشغالگران تخلیه کند و بعد از عملیات‌های تروریستی اخیر نیز در تلاش است تا این راهبرد را به عمق ۵۰ کیلومتر گسترش دهد.

در جنگ ۲۳ روزه تیز حزب الله در برابر موج وحشیانه حملات اسرائیل، به تدریج و با خونسردی عملیات‌های راکتی خود را آغاز کرد و از کربات شمونه به تدریج به عکا، حیفا، صفد، عفوله و ... رسید.

اگر حزب الله بتواند این وضعیت را تثبیت کند و تا عمق ۵۰ کیلومتری را به طور روزانه زیر آتش بگیرد، عملا زندگی در یک سوم کشور (جعلی) اسرائیل را فلج کرده است و این چیزی نیست که صهیونیست‌ها بتوانند آن را تحمل کنند؛ در واکنش به این وضعیت آنها ۲ راه دارند: اول، عقب نشینی از غزه و پذیرفتن شروط مقاومت، و دوم تشدید تنش با حزب الله که احتمالا روند تحولات به سمت سناریوی دوم برود.

با فرض تشدید حملات به حزب الله باید گفت اسرائیل تقریبا هر سلاحی که در زرادخانه خود داشته (به جز بمب اتم) را در حملات اخیر به کار گیری کرده است؛ یعنی بمب‌های سنگرشکن یک تنی بلیستر.

اما مقاومت لبنان تنها به راکت‌های برکان، کاتیوشا و فادی ۱ و ۲ بسنده کرده اما همین پرتابه‌ها نیز علاوه بر عیور از سد گنبد آهنین، خسارات قابل توجهی به اسرائیلی‌ها زده و خواهد زد.

همچنین در وضعیت تنش بیشتر، احتمالا حزب الله از تسلیحاتی استفاده کند که قواعد نبرد را تغییر دهد؛ موشک‌های خلوانده فاتح ۱۱۰ و فتح ۳۶۰ از آن جمله اند.

بنابراین اسرائیلی‌ها خوب می دانند که مقاومت لبنان نیروهای زیادی در جنته دارد که هنوز شلیک نکرده و عمده علت اختلاف نتانیاهو با افرادی چون گالانت نیز همین نکته است.

اگر حزب الله تحت فشار قرار گیرد و اراده کند، می تواند با الاشکنازهای اسرائیل ، مراکز آب شیرین کن و نیروگاه‌های برق و هرچیزی که به زندگی صهیونیست‌ها مرتبط است را با موشک‌های نقطه‌زن به راحتی منهدم سازد.

در نتیجه به پاورنگارنده، اسرائیل باید انتخاب‌های سختی انجام دهد که از جمله آن می توان به حمله زمینی اشاره کرد که البته این گزینه از آرزوهای مقاومت لبنان به شمار می رود.

حزب الله در جنگ زمینی (برخلاف اسماء) با توجه به اتخاذ راهبردهای چریکی، نه تنها از اسرائیل عقب نیست بلکه در مواردی برتری هم دارد و جغرافیای کوهستانی و جنگلی جنوب لبنان نیز کاملا برای این نوع از نبرد مستعد بوده و مسلح شده است.

پس اگر اسرائیل به حمله زمینی مبادرت کند، تلفات سنگینی والسرای زیادی خواهد داد و نیز بعید است به اهداف خود برسد.

تجربه ماه‌های اخیر نیز به وضوح عیان کرده که رژیم صهیونیستی از طریق بمباران هوایی صرف، نمی تواند حملات راکتی مقاومت لبنان را متوقف نماید.

بنابراین در آخر باید این نکته را تصریح نمود که اگرچه تاکتیک‌های اسرائیل تا حدی موفق بوده اما در نتیجه و راهبرد، حزب الله هنوز بر اسرائیل چیرگی دارد و اصرار نتانیاهو بر ادامه نبرد، رژیم صهیونیستی را بیشتر در باتلاق فرو می برد.

علیرضا تقوی‌نیا